

رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، درس ۱۴
 پیشگفتار اشعیا ۴۰، بنده خداوند، موضوع پیشگفتار
 اشعیا ۴۰، مقدمه

ببینید ، فصل ۴۰ کتاب اشعیا «اورتور» است که در ادامه پیشنهاد مگری در اینجا مبنی بر مقایسه این مطالب با یک قطعه موسیقی آمده است. فصل ۴۰ به خودی خود یک واحد مستقل است و تا حدودی با آنچه در ادامه می‌آید، متفاوت است. و مگری گفته است که این فصل با اورتور یک قطعه موسیقی قابل مقایسه است، به این معنا که به تعدادی از مضامینی که در فصل‌های بعدی تکرار می‌شوند ، می‌پردازد. این مضامین را معرفی می‌کند. سپس در فصل‌های بعدی این مضامین بیشتر بسط داده می‌شوند. اما در فصل ۴۰، همه چیز کاملاً کلی به نظر می‌رسد. به اندازه مطالب بعدی صریح یا خاص نیست؛ کاملاً کلی است. خدا می‌گوید که قرار است نجات دهد، اما به نظر نمی‌رسد که این فصل منحصرأً به یک نجات خاص اشاره داشته باشد؛ بلکه کلی‌تر است. افرادی هستند که رنج می‌برند، افرادی که در بدبختی هستند؛ و ایده این است که آنها از رنج خود رهایی خواهند یافت. این در مورد افراد در تبعید صدق می‌کند، اما می‌تواند در مورد افرادی که از نتایج گناه رنج می‌برند نیز صدق کند. خدا قرار است آنها را نجات دهد. به عبارت دیگر، او با مشکل گناه مقابله خواهد کرد و وسیله‌ای برای رهایی از آن فراهم خواهد کرد. البته، در نهایت این امر از طریق آمدن مسیح حاصل می‌شود. بنابراین نوعی شادی در این فصل وجود دارد و آن شادی به خاطر آمدن مسیح و همچنین شادی به خاطر رهایی از تبعید است. به نظر می‌رسد همه این موارد در فصل ۴۰ مد نظر قرار گرفته است.

بنابراین، جای تعجب نیست که فصل ۴۰ یکی از فصل‌های بزرگ کتاب مقدس است. مطمئناً این فصل، فصلی است که اغلب توسط بسیاری از مردم، به ویژه افرادی که ممکن است در بدبختی یا رنج باشند، خوانده می‌شود؛ افرادی که از خود می‌پرسند خدا چه می‌کند، می‌توانند در این فصل آرامش زیادی پیدا کنند.

تسلی دهید، قوم مرا تسلی دهید، خدای شما « بیایید به دو آیه اول نگاه کنیم اشعیا ۴۰: ۱-۲ تسلی به اورشلیم می‌گوید. با اورشلیم با مهربانی صحبت کنید و به او اعلام کنید که خدمت سخت او به پایان رسیده است، که گناه او تسلی قرار است به «». بخشیده شده است، که از دست خداوند دو برابر برای همه گناهانش دریافت کرده است اورشلیم بیاید. اورشلیم رنج کشیده است. اما اکنون باید تسلی یابد؛ به او گفته می‌شود که جنگ او به پایان رسیده است. یعنی خدمت سخت او، کار اجباری او، خدمت جنگی او به پایان رسیده است. عبارت آخر، «او از دست خداوند دو برابر برای همه گناهانش دریافت کرده است»، معمولاً به عنوان مجازات درک می‌شود - او برای همه گناهانش دو برابر دریافت کرده است.

اما به استنادات خود نگاه کنید - مکاری در صفحه ۲۹ پیشنهاد جالبی دارد . مضاعف (?) «یا جایگزین/معادل» برگرفته از صفحات ۴۰-۴۳/ *انجیل اشعیا* ، که می‌توانم به آن در این بخش از اشعیا اشاره کنم - کتاب کوچک بسیار مفیدی است. یک تفسیر نسبتاً غیر معمول این فرض بوده است که «مضاعف» در اینجا به معنای «برکت مضاعف» است و این عبارت و عده‌ای است که اسرائیل علی‌رغم تمام گناهانش، برکت مضاعف دریافت خواهد کرد. چنین تفسیری فاقد توجیه لغوی است. هیچ مبنایی برای گنجاندن ایده «برکت» در کلمه «مضاعف» وجود ندارد. راه حل این مشکل در این تشخیص نهفته است که کلمه عبری مورد استفاده در اینجا، یکی از چندین کلمه‌ای که معمولاً «مضاعف» ترجمه می‌شوند، می‌تواند به درستی مشابه کلمه انگلیسی «مضاعف» در نظر گرفته شود، «زمانی که برای نشان دادن شخصی استفاده می‌شود که آنقدر شبیه دیگری است که تشخیص آنها دشوار است

می‌فهمم که می‌گویند صدام حسین چندین بدل داشته است. افرادی که آنقدر شبیه او هستند که هرگز نمی‌دانید او کجاست، زیرا او یک بدل دارد. هر یک از آنها فقط دو برابر دیگری است، اما هیچ‌کدام را نمی‌توان برابر یا دو برابر دیگری دانست. شاید واضح باشد که اصطلاح عبری «معادل»، «همتا» یا «جایگزین» را ترجمه کنیم. این عبارت به زمانی اشاره دارد که خداوند اعلام کند معادل گناه همه مؤمنان پرداخت شده است. هیچ انسانی نمی‌تواند این جریمه را بپردازد؛ فقط بنده الهی خداوند می‌تواند این کار را انجام دهد. بنابراین می‌بینید که مکاری این جمله را در آنجا می‌فهمد: او از دست خداوند دو برابر برای همه گناهانش دریافت کرده است. - این ایده که او از دست خداوند یک معادل، یک همتا، یک جایگزین برای همه گناهانش دریافت کرده است و به مسیح اشاره دارد. اما در هر صورت، خداوند می‌گوید قومش باید تسلی یابند. این ممکن است به نوعی با رهایی از تبعید، از بابل مرتبط باشد، اما من فکر می‌کنم اساسی‌تر و مهم‌تر، به رهایی از گناه از طریق مسیح اشاره دارد. توجه کنید، من فکر می‌کنم پیشنهاد مکاری قطعاً قابل بررسی است، به خصوص به خاطر آن عبارت در وسط آیه: خدمت سخت او به پایان رسیده و گناهش بخشیده شده است» «گناهش بخشیده شده است» «خب، معادل یا جایگزین، شخصی معادل اسرائیل جایگزین او شده و برای گناهش کفاره داده شده است، ایده‌ای است که او پیشنهاد می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر این را صرفاً به بازگشت از تبعید محدود کنید، به سختی به این معنی است که گناه او بخشیده شده است. به نظر می‌رسد در اینجا چیزهای بیشتری دخیل است

اشعیا ۳: ۴۰-۵ نجات خدا

صدای کسی که فریاد می‌زند: در بیابان راه «: آیات ۳-۵. ایده رهایی بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است را برای خداوند آماده کنید؛ در بیابان شاهراهی برای خدای ما بسازید. هر دره‌ای برافراشته خواهد شد، هر کوه و تپه‌ای پست خواهد شد؛ زمین ناهموار هموار خواهد شد، و ناهمواری‌ها به دشت تبدیل خواهند شد. و جلال خداوند دوباره ایده رهایی - «آشکار خواهد شد و همه بشریت با هم آن را خواهند دید. زیرا دهان خداوند سخن گفته است

رهایی خدا در دست است، راهی باید هموار شود. این می‌تواند در مورد تبعید نیز صدق کند - به عبارت دیگر، مردم بابل می‌بینند که تپه‌ها و دره‌ها و انواع مشکلاتی که آنها را از سرزمین مادری‌شان جدا می‌کند، برداشته می‌شوند و آنها را قادر به بازگشت می‌کنند.

اما نکته جالب این است مرجع یوحنا بابتیست [لوقا ۴: ۳-۶؛ متی ۱: ۳-۳؛ مرقس ۲: ۱-۳؛ یوحنا ۱۹: ۱-۲۳] که در هر چهار انجیل، این بخش به عنوان اشاره‌ای به یحیی تعمید دهنده در نظر گرفته شده است. صدای کسی همانطور که در کتاب سخنان « که در بیابان فریاد می‌زند» : راه خداوند را آماده کنید «.» به لوقا ۴: ۳-۶ نگاه کنید اشعیا نبی آمده است» : صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند» : راه خداوند را آماده کنید»، راه‌های او را هموار کنید. هر دره‌ای پر خواهد شد، هر کوه و تپه‌ای پست خواهد شد. جاده‌های کج راست و راه‌های ناهموار هموار در متن لوقا، این در مورد خدمت یحیی تعمید دهنده است. «.» خواهند شد. و همه بشریت نجات خدا را خواهند دید او به سراسر سرزمین اطراف اردن رفت و به تعمید توبه برای بخشش گناهان موعظه کرد. « : آیه ۳ می‌گوید در آن روزها، یحیی « : متی ۳: ۳. متی ۱: ۳ می‌گوید «. همانطور که در کتاب سخنان اشعیا نبی آمده است تعمیددهنده آمد و در بیابان یهودیه موعظه می‌کرد و می‌گفت: توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.» این همان کسی است که اشعیا نبی درباره‌اش گفته است» : صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند: راه را برای صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند: راه « : مرقس ۱: ۲ و ۳ «.» خداوند آماده کنید، راه‌های او را هموار سازید یحیی در بیابان تعمید می‌داد و تعمید توبه را موعظه «. را برای خداوند آماده کنید، راه‌های او را هموار کنید او گفت: من نیستم. آیا تو پیامبر هستی؟ « : می‌کرد. و سپس یوحنا ۱: ۱۹-۲۳ «: این شهادت یحیی است «تا آیه ۲۳ او پاسخ داد: نه «سرانجام گفتند» : تو کیستی؟ پاسخی به ما بده تا به کسانی که ما را فرستادند، برسانیم. درباره خودت چه می‌گویی؟ «یحیی به نقل از اشعیا نبی پاسخ داد» : من صدای فریادکننده‌ای هستم که در بیابان فریاد «. می‌زند: راه خداوند را هموار کنید

بنابراین وقتی به آیه ۵ می‌رسید و می‌گویید» : جلال خداوند آشکار خواهد شد»، مطمئناً اوج ماجراست و به کلمه جسم شد و در « : جز تجسم چه چیزی می‌توانید تصور کنید؟ «جلال خداوند آشکار خواهد شد «یوحنا ۱: ۱۴ «. میان ما ساکن شد. ما جلال او را دیده‌ایم، جلال آن یگانه و بی‌همتا که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی یوحنا راه آمدن مسیح را اعلام کرد.

«اشعیا ۴۰: ۶-۸ پیامی که باید «فریاد زده شود

صدایی می‌گوید» : فریاد « : حالا، وقتی به اشعیا ۴۰: ۶-۸ می‌رسیم، یک تغییر کامل در ایده وجود دارد. بزن «و من گفتم» : چه فریاد بزنم؟ «همه انسان‌ها مانند علف هستند و تمام جلال آنها مانند گل‌های صحراست.

علف خشک می‌شود و گل‌ها می‌ریزند زیرا نفس خداوند بر آنها می‌دمد. مطمئناً مردم علف هستند. علف خشک ایده اصلی در اینجا، ناتوانی هر چیز انسانی و «می‌شود و گل‌ها می‌ریزند، اما کلام خدای ما تا ابد پابرجا می‌ماند زمینی در تحمل است. در مقابل، کلام خدا تا ابد پابرجا می‌ماند».

حال، این خیلی کلی است؛ می‌توان آن را در بسیاری از موقعیت‌ها به کار برد. شاید، در مورد مردم تبعیدی، بتوانید عظمت قدرت بابل را در نظر بگیرید. منظور اشعیا این است که قدرت انسان گذرا و وهم‌آلود است؛ تمام گوشت‌ها علف هستند: پژمرده و پژمرده می‌شوند، اما کلام خداوند تا ابد پابرجاست.

آیه ۹ به ایده تسلی به اورشلیم برمی‌گردد زیرا خدا نجات را خواهد آورد. فکر اشعیا ۴۰:۹ خدا نجات را می‌آورد در اینجا بهتر است. توجه کنید که شاه جیمز NIV می‌کند، بدون اینکه وارد جزئیات این موضوع شوم، ترجمه نگاه NIV می‌گوید: «ای صهیون که مژده می‌آورد، به کوه بلند برو»، در حالی که اگر به آیه ۹ از ترجمه جدید کنید، می‌گوید: «ای کسانی که مژده به صهیون می‌دهید، به کوه بلند بروید. ای کسانی که مژده به اورشلیم می‌دهید، صدای خود را با فریاد بلند کنید، آن را بلند کنید، نترسید؛ به شهرهای یهودا بگویید: «اینک خدای شما»! اورشلیم را تسلی دهید زیرا خدا نجات می‌آورد».

آیات ۱۰ و ۱۱ عظمت نجات اوست» ببینید، خداوند متعال با قدرت اشعیا ۴۰:۱۰-۱۱ عظمت نجات او می‌آید و بازوی او برای او حکومت می‌کند. ببینید، پادشاه او با اوست و پادشاه او همراه اوست. او مانند یک چوپان از گله خود مراقبت می‌کند: بره‌ها را در آغوش خود جمع می‌کند و آنها را نزدیک قلب خود نگه می‌دارد. او به آرامی بچه‌داران را رهبری می‌کند «خداوند قوی است؛ او آنچه را که می‌خواهد انجام خواهد داد. شاه جیمز می‌گوید: «خداوند با دستی قوی خواهد آمد؛ بازوی او برای او حکومت خواهد کرد.» بنابراین او قوی است؛ او قادر است آنچه را که قصد انجام آن را دارد، به انجام برساند. اما نسبت به قوم خود، او مانند چوپانی است که بره‌ها را در آغوش خود جمع می‌کند و آنها را در آغوش خود حمل می‌کند؛ و آنها را که شیر دارند به آرامی «رهبری می‌کند.» بنابراین، این از ملایمت نجات او سخن می‌گوید.

سپس با آیه ۱۲ دوباره یک انتقال کوتاه خواهید داشت. می‌خواهم در اینجا یک جزوه به اشعیا ۴۰:۱۲ انتقال چه کسی آب را در گودی دست خود «شما بدهم و برای بقیه فصل، یک سربرگ بالا قرار دهم. آیه ۱۲ می‌گوید پیموده است، یا با پهنای دست خود آسمان‌ها را علامت‌گذاری کرده است؟ چه کسی غبار زمین را در سبیدی نگه شما یک انتقال فکری شدید بین ۱۱ و «داشته است، یا کوه‌ها را در ترازو و تپه‌ها را در ترازو وزن کرده است؟ می‌بینید. یازده در مورد چوپانی صحبت می‌کند که بره‌ها را در آغوش خود حمل می‌کند و به آرامی بچه‌داران ۱۲

را هدایت می‌کند. اینجا شما با یک ایده کاملاً متفاوت وارد می‌شوید: مهربانی خداوند در آیه ۱۱ مورد تأکید قرار گرفته است، اما این نشانه ضعف نیست.

آیه ۱۲ و آیه‌های بعد، خداوند را با خدایان بت‌پرستان مقایسه می‌کند و به عظمت قدرت او، به‌ویژه قدرت آفرینش او، اشاره می‌کند. مطمئناً ایده قدرت مطلق خداوند، ایده‌ای است که به‌ویژه برای مردمی که رنج می‌برند، مهم است. این ایده برای مردمی که در تبعید هستند نیز مهم خواهد بود؛ برای مردمی که در زمان خود اشعیاء، در زمان منسی، بودند نیز مهم خواهد بود؛ برای مردمی که در هر زمان سختی و رنجی هستند نیز مهم است. وقتی در چنین موقعیتی هستید، تمایلی وجود دارد که فکر کنید خدا وجود ندارد یا او ناتوان است.

حال، اگر به در ادامه‌ی فصل ۴۰، تعدادی از آیات وجود دارد که بر عظمت و قدرت خداوند تأکید می‌کند. ساختار آیات ۱۲ تا ۳۱ با دقت نگاه کنید، فکر می‌کنم می‌توانید ببینید که این فصل بسیار دقیق ساخته شده است. اگرچه این ساختار ممکن است با تغییر از یک ایده به ایده‌ی دیگر و بازگشت به ایده‌ی اول مبهم شود - حرکات زیادی از این قبیل وجود دارد - اما این فصل بی‌نظم نیست. کشف ساختار و رابطه‌ی اجزا با یکدیگر به مطالعه و کار زیادی نیاز دارد. اما قیاس با قطعه‌ی موسیقی را به خاطر داشته باشید. می‌توانید به موسیقی گوش دهید و تحت تأثیر مسیر موسیقی قرار بگیرید، بدون اینکه واقعاً چیزی در مورد اینکه نویسنده چقدر دقیق چیزها را ساختار داده تا آن نیرو و آن تأثیر را ایجاد کند، بفهمید. به طوری که بدون اینکه آگاهانه متوجه شوید که این ساختار چقدر دقیق ساخته شده است، می‌توانید آن را بخوانید و تحت تأثیر آن قرار بگیرید. اما وقتی می‌نشینید و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنید، متوجه می‌شوید که ساختار بسیار دقیقی در پشت آن وجود دارد.

حالا، اگر به آن جزوه نگاه کنید، متوجه می‌شوید که در آیه ۱۲ این سوال را چه کسی جهان را آفریده است؟ چه «دارید»؟ چه کسی جهان را آفرید؟ «و پنج جنبه برای این سوال وجود دارد و همه پاسخ را دارند: خدا ببینید کسی آب‌ها را در گودی دست خود پیموده است، یا با پهنای دست خود آسمان‌ها را اندازه گرفته است؟ چه کسی شما پنج «غبار زمین را در سبد نگه داشته است، یا کوه‌ها را در ترازو و تپه‌ها را در ترازو وزن کرده است؟ عبارت در آنجا دارید. چه کسی همه این کارها را انجام داده است؟ چه کسی جهان را آفریده است؟ همه پاسخ را دارند: خدا. این اولین مصراع است.

مورد دوم، که هر دو مربوط به طبیعت هستند - و مورد دوم اشعیاء ۱۳: ۴۰-۱۴ چه کسی یاور خدا در خلقت بود؟ فصل ۴۰، آیات ۱۳ و ۱۴ است - در آنجا سوال این است: «چه کسی یاور خدا در خلقت بود؟» «و دوباره پنج جنبه». «برای این سوال دارید ببینید یک ساختار وجود دارد - پنج و پنج. اما در اینجا، همه پاسخ را دارند: هیچ‌کس چه کسی فکر خداوند را فهمیده یا او را به عنوان مشاور خود راهنمایی کرده است؟ خداوند با چه کسی مشورت

کرده تا او را روشن کند و چه کسی راه درست را به او آموخته است؟ چه کسی به او دانش آموخته یا راه فهم را به «دوباره این به پنج عبارت تقسیم می‌شود. همه با پاسخ» :هیچ کس « او نشان داده است؟

سپس به بند سوم، که اولین اوج است، آیات 15-17، می‌روید: ملت‌ها . اشعیا 40: 15-17 ملت‌ها هیچ هستند هیچ هستند «شما یک گذار انجام می‌دهید؛ دو بند اول به طبیعت می‌پردازند» :چه کسی جهان را آفرید؛ چه کسی به « یاور خدا در آفرینش بود؟ «بخش سوم به تاریخ می‌پردازد، به طوری که در آیات 15 تا 17 می‌خوانید درستی که امت‌ها مانند قطره‌ای در سطل هستند؛ آنها مانند غبار در ترازو شمرده می‌شوند؛ او جزایر را مانند غبار ریز وزن می‌کند. لبنان برای آتش قربانگاه کافی نیست، و حیوانات آن برای قربانی‌های سوختنی کافی نیستند. در بنابراین امت‌ها هیچ هستند. بابل «. حضور او همه امت‌ها هیچ هستند؛ آنها نزد او بی‌ارزش و کمتر از هیچ هستند ممکن است قدرتمند به نظر برسد، به خصوص اگر در بابل در تبعید باشید، اما در مقابل قدرت خدا، امت‌ها هیچ هستند. آنها مانند قطره‌ای در سطل هستند؛ آنها مانند غبار کوچک در ترازو شمرده می‌شوند - ببینید این نوع تصاویر به ناچیزی قدرت امت‌ها اشاره می‌کنند.

اشعیا ۱۸: ۲۰-۴۰ موضوع بت‌پرستی و بی‌ارزشی بت‌پرستی

اگر به بخش چهارم، آیات ۱۸-۲۰ بروید، دوباره تغییر اساسی در ایده خود خواهید داشت. به این موضوع پس خدا را با چه «، بت‌پرستی و پوچی بت‌پرستی می‌پردازید. بت‌ها حرکت نمی‌کنند؛ فصل ۴۰، آیات ۱۸-۲۰ کسی مقایسه می‌کنید؟ او را با چه تصویری مقایسه می‌کنید؟ در مورد بت، صنعتگری آن را می‌ریزد و زرگری آن را با طلا می‌پوشاند و زنجیرهای نقره‌ای برایش می‌سازد. مردی که برای تقدیم چنین پیشکشی بسیار فقیر است، توجه «. چوبی را انتخاب می‌کند که نمی‌پوسد. او به دنبال صنعتگری ماهر می‌گردد تا بتی بسازد که واژگون نشود کنید که این عبارت با این سوال آغاز می‌شود» :با چه کسی مقایسه می‌کنید؟ «خدا را با چه کسی مقایسه می‌کنید؟ یا چه شباهتی را با او مقایسه می‌کنید؟ آیا می‌خواهید خدا را با این تکه‌های چوب ساخته شده توسط انسان مقایسه کنید؟ بنابراین، ایده بخش اول با مقایسه توسعه می‌یابد. خدا پروردگار طبیعت است؛ او پروردگار تاریخ است و شما آن را با یک چوب مقایسه می‌کنید. خدا را با چه کسی تشبیه می‌کنید؟

اشعیا ۲۱: ۲۴-۴۰ خدا پروردگار طبیعت و تاریخ است

وقتی به پنجمین فراز، آیات ۲۱ تا ۲۴ می‌رسید، به اوج دوم می‌رسید. خدا پروردگار طبیعت و تاریخ آیا نمی‌دانی؟ آیا «: است؛ طبیعت و تاریخ در کنار هم قرار گرفته‌اند. در فصل ۴۰، آیات ۲۱ تا ۲۴ آمده است نشنیده‌ای؟ آیا از ابتدا به تو گفته نشده است؟ آیا از آغاز که زمین بنیان نهاده شد، نفهمیده‌ای؟ او بر فراز دایره زمین

نشسته است و مردمانش مانند ملخ هستند. او آسمان‌ها را مانند سایبان می‌گستراند و آنها را مانند خیمه‌ای برای سکونت می‌گستراند. او شاهزادگان را نابود می‌کند و حاکمان این جهان را به نیستی می‌افکند. به محض اینکه کاشته می‌شوند، به محض اینکه کاشته می‌شوند، به محض اینکه در زمین ریشه می‌دوانند، او بر آنها می‌دمد و حال، در این اوج دوم، دوباره آن را با یک سؤال مطرح «. پژمرده می‌شوند و گردبادی آنها را مانند کاه می‌ریاید می‌کنید»: آیا نمی‌دانی؟ آیا نشنیده‌ای؟ آیا از آغاز به تو گفته نشده است؟ «خداوند پروردگار طبیعت و تاریخ است و معرفی شده است؟» «آیا *ha'l'o* در ساختار ادبی آن چهار «نداشته» داریم. آیه ۲۱ که با عبارت عبری *ha'l'o* - ندانسته‌اید؟ آیا نشنیده‌اید؟ آیا به شما گفته نشده است؟ آیا نفهمیده‌اید؟ «چهار» «نداشته‌اید» وجود دارد او «سه سطر دوتایی وجه وصفی، آیات ۲۲-۲۳. سه سطر دوتایی وجه وصفی»: آن که نشسته است»، آیه ۲۲ بر دایره زمین نشسته است و مردم آن مانند ملخ هستند. او آسمان‌ها را مانند سایبان می‌گستراند و آنها را مانند خیمه‌ای برای سکونت پهن می‌کند. او شاهزادگان را به نیستی می‌افکند و حاکمان این جهان را به نیستی می‌کشد یا «scarcely» بنابراین او که می‌نشیند، می‌گستراند، می‌آورد: این وصف‌ها را دارید. سپس سه فعل که با «. معرفی شده‌اند - در عبری آمده است». آری، «شاه جیمز می‌گوید، «کاشته نخواهند شد؛ آری، کاشته «hardly» نخواهند شد؛ آری، تنه آنها در زمین ریشه نخواهد دواند «سه فعل که با «به ندرت» یا «به سختی» در آیه ۲۴ معرفی شده‌اند. سپس **وگام‌تیز**، نتیجه را در ۲۴ب معرفی می‌کند. شاه جیمز می‌گوید، «و او نیز خواهد کرد»، اما این **وگام‌است**». و او نیز بر آنها خواهد دمید، و آنها پژمرده خواهند شد، و گردباد آنها را مانند کاه خواهد برد.»

حال این نتیجه‌گیری، اوج دوم را فراهم می‌کند که اوج اول را قطعی‌تر می‌کند. اوج اول - ملت‌ها هیچ هستند. اما در اینجا او بر آنها خواهد دمید؛ آنها پژمرده می‌شوند و مانند کاه از بین می‌روند. به مقایسه یا تطابق بین سه‌گانه‌ی آیه‌ی ۲۲ و ۲۳ - یعنی آن دو مصراع وجه وصفی - با سه مصراع اول توجه کنید. آیه‌ی ۲۲، خدا خالق است. ببینید، آیه‌ی ۲۲ درباره‌ی کسی صحبت می‌کند که بر دایره‌ی زمین نشسته است و ساکنان آن مانند ملخ هستند. او آسمان‌ها را مانند پرده‌ای می‌گستراند و آنها را مانند خیمه‌ای برای سکونت پهن می‌کند. اینکه خدا خالق است با مصراع اول، «چه کسی جهان را آفرید؟» «مقایسه می‌شود، در حالی که آیه‌ی ۲۳ کار خدا در تاریخ است که با مصراع سوم، «ملت‌ها هیچ هستند» «مقایسه می‌شود. شما وجه وصفی‌ها را ببینید، «آن که می‌نشیند» «و آن که می‌گستراند» «- دو مصراع اول». آن که شهریاران را به نیستی می‌راند «- این تاریخ است، و این با کار خدا در تاریخ که در مصراع سوم از آن سطرهای وصفی دوگانه می‌بینید، قابل مقایسه است. شما تکرار ساختار را از طبیعت به تاریخ می‌بینید: دو تا از هر کدام از طبیعت، یکی از تاریخ، در هر دو جا اشعیا ۲۵: ۴۰-۲۷ مرا با که مقایسه می‌کنید؟ خداوند بی‌نظیر است

مرا با که مقایسه می‌کنید؟ یا کیست که با من برابر «: به ششمین آیه، فصل ۴۰، آیات ۲۵-۲۷ بروید

است؟ «آن قدوس می‌گوید. چشمان خود را بالا ببرید و به آسمان‌ها بنگرید: چه کسی همه اینها را آفریده است؟ آن که لشکر ستارگان را یک به یک بیرون می‌آورد و هر یک را به نام می‌خواند. به سبب قدرت عظیم و توانایی عظیمش، یکی از آنها گم نمی‌شود. ای یعقوب، چرا می‌گویی و ای اسرائیل، شکایت می‌کنی که «راه من از خداوند پنهان است؛ خدای من از حق من صرف نظر کرده است.»»

آیات ۲۵ تا ۲۷، خداوند بی‌نظیر است. همانطور که در بند چهارم مطرح کردید، شما هم همین سوال را دارید، می‌بینید، در بند ششم هم همین سوال را دارید: «مرا با که مقایسه می‌کنید؟» خداوند بی‌نظیر است، و می‌بینید که تمرکز اصلی آن بخش، از ۲۵ تا ۲۷، در آیه ۲۷ است. خداوند را با چه کسی مقایسه می‌کنید؟ حالا به قدرت خلاق او نگاه می‌کنید. چطور می‌توانید در آیه ۲۷ بگویید که راه من از خداوند پنهان است؟ ممکن است در سختی باشید، ممکن است در بدبختی باشید، ممکن است نفهمد چه اتفاقی دارد می‌افتد، اما وقتی بر اینکه خدا کیست، بر حکومت او بر طبیعت، بر حکومت او بر تاریخ تمرکز می‌کنید، چطور می‌توانید این سوال را بپرسید که او نمی‌داند چه اتفاقی برای شما می‌افتد؟

تاریخ، تسلی‌نهایی قوم خدا در سختی‌ها است. باز هم، این موضوع با این سوال مطرح می‌شود: «مگر نمی‌دانی؟» «درست مانند آن اوج دوم». مگر نمی‌دانی؟ مگر نشنیده‌ای که خدای جاودان، خداوند، خالق اقصی نقاط زمین، خسته و درمانده نمی‌شود؟ هیچ کس نمی‌تواند در فهم او جستجو کند. «او به ضعیفان قدرت می‌دهد؛ به آنان که قدرت ندارند، قدرت می‌بخشد. حتی جوانان نیز ضعیف و خسته می‌شوند، مردان جوان کاملاً می‌افتند. اما آنان که به خداوند توکل می‌کنند، قدرت خود را تجدید خواهند کرد. آنها با بال‌هایی مانند عقاب پرواز خواهند کرد. آنها خواهند دوید و خسته نخواهند شد. آنها راه خواهند رفت و درمانده نخواهند شد.» بنابراین در آیه ۲۷، آیه قبل، می‌بینید که چگونه کسی که بسیار قدرتمند است، می‌تواند کسانی را که برای اهداف خود جدا کرده است فراموش کند؟ «چرا می‌گویید؟» راه من از خداوند پنهان است؟

فصل ۴۰، آیات ۲۸-۳۱، پاسخ این سوال هستند. به نظر من، پاسخ، باز هم، به طور اشعیا ۲۸: ۴۰-۳۱ کلی داده شده است که در مورد همه موقعیت‌هایی که مردم وسوسه می‌شوند به خدا شک کنند، صدق می‌کند. اگر به نظر نمی‌رسد که نقشه خدا عملی شود، می‌توانید مطمئن باشید که به این دلیل نیست که او برای انجام آنچه انتخاب آیا نمی‌دانید؟ «می‌کند، خیلی ضعیف است. بلکه به این دلیل است که ما نقشه او را به طور کامل درک نمی‌کنیم مگر نشنیده‌ای؟ یهوه خدای جاودان، خالق اقصای زمین است. او خسته و درمانده نخواهد شد و هیچ‌کس نمی‌تواند ما نمی‌توانیم فهم او را جستجو کنیم؛ او پایان را از ابتدا می‌داند - ما نمی‌دانیم. ممکن است.» به فهم او پی ببرید دقیقاً نفهمیم دلایل وضعیتی که در آن قرار داریم چیست، اما قدرت او برای انجام تمام کارهایی که انجام می‌دهد کافی است. او هرگز خسته نمی‌شود، هرگز خسته نمی‌شود. اما نه تنها این، بلکه به کسانی که تمایل به خسته شدن

دارند نیز قدرت می‌دهد - اگر منتظر خداوند باشند. پس این پیام به قوم خداست: منتظر خداوند باشند و قدرت خود را تجدید کنند.

بنابراین، فصل ۴۰ فصل قابل توجهی است. ما با عجله از آن عبور کردیم، اما امیدوارم این نمودار به شما ایده‌ای از پیچیدگی سازماندهی و نحوه دقیق ساخت آن بدهد، حتی اگر آن را بخوانید و سعی کنید آن را ترسیم کنید، ترسیم آن بسیار دشوار است. اما یک ساختار بسیار دقیق در آن وجود دارد: تکرار چیزها، سازماندهی ساختاری که هنگام خواندن فصل، حتی اگر آن را تجزیه و تحلیل نکرده باشید، به شدت شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما می‌دانید که این یکی از فصل‌های مورد علاقه مردم در کتاب مقدس است، اشعیا فصل ۴۰، و دلیل خوبی هم دارد.

که می‌خواهم از این نقطه انجام دهم، همانطور که در موضوع بنده خداوند - چهار مزبور خدمتگزار کاری طرح کلی خود متوجه شدید، رفتن به موضوع بنده خداوند است. من آن ۵ یا ۶ موضوع را به شما دادم. خوب است اگر بتوانیم از اشعیا ۴۱ تا ۶۶ ادامه دهیم و نحوه توسعه همه این موضوعات را دنبال کنیم. جای تأسف است که مجبوریم یکی را حذف کنیم، چون تأثیر کامل آنها را نخواهیم دید، چون همه آنها ارتباط نزدیکی با هم دارند - با هم کار می‌کنند. اما با توجه به ملاحظات زمانی، نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. بنابراین کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که یک موضوع، یعنی بنده خداوند، را انتخاب کنم و روی آن موضوع کار کنم. مطمئناً این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است، به خصوص از دیدگاه مسیحایی. بیایید ببینیم که چگونه کار می‌کند.

حالا، قبل از اینکه به بخش‌های خاص بپردازیم، چند نکته کلی را مطرح می‌کنیم. محققان منتقد اغلب تلاش کرده‌اند آنچه را که «چهار مزبور خدمتگزار» می‌نامند، جدا کنند. ما در وایبری در مورد چهار مزبور به اصطلاح «مزامیر خدمتگزار» - که در بالای صفحه ۲۹ نقل قول‌های شما آمده است - در آنجا می‌خوانیم. اما چهار مزبور که معمولاً جدا می‌شوند، آیات ۴۲: ۱-۷ هستند. واقعاً درست نیست که بخش‌های خدمتگزار را به آن چهار بخش محدود کنیم، اما آنها قطعاً چهار بخش اصلی هستند. اما محققان منتقد اغلب آن چهار بخش را جدا می‌کنند و می‌گویند که آنها منشأ و نویسنده جداگانه خود را دارند. آنها نسبت به متن اصلی فرعی هستند و در متن اصلی گنجانده شده‌اند. اما همانطور که اشاره کردم، این موضوع بسیار پیچیده‌تر از آن است که فقط به آن چهار بخش محدود شود. این موضوع در بسیاری از جاهای دیگر نیز یافت می‌شود. کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که در حالی که به موضوع خدمتگزار نگاه می‌کنیم، هر اشاره‌ای به خدمتگزار را در این بخش از اشعیا ردیابی کنم. پس بیایید شروع کنیم، و کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که ببینیم موضوع خدمتگزاری چگونه به این مشکل بزرگتر تبعیدیان مربوط می‌شود - چه ارتباطی دارد و البته چگونه به آمدن مسیح مربوط می‌شود.

اما تو «: اولین مورد اشعیا ۸: ۴۱ و بعد از آن است. در آنجا می‌خوانید. اشعیا ۸: ۴۱ اسرائیل، تو بنده من هستی. ۱. ای اسرائیل، بنده من، یعقوب، که تو را برگزیده‌ام، ای فرزندان ابراهیم دوست من. من تو را از اقصی نقاط زمین، از دورترین گوشه‌های آن فراخواندم. گفتیم: «تو بنده من هستی»؛ من تو را برگزیده‌ام و تو را رد نکرده‌ام. پس نترس، زیرا من با تو هستم؛ نگران نباش، زیرا من خدای تو هستم. من تو را تقویت می‌کنم و کمکت می‌کنم؛ من تو فعلاً بیشتر نمی‌خوانم. اما همانطور که می‌بینید، این اولین بار «. را با دست راست صالح خود حمایت خواهم کرد است که در آیات ۸ و ۹ عبارت «بنده خداوند» به کار می‌رود: «تو بنده من هستی»، خداوند در حال صحبت کردن است.

حال، در جاهای دیگر عهد عتیق، اصطلاح «بنده» به طرق مختلف، اغلب صرفاً برای افراد خداترس، استفاده می‌شود؛ گاهی اوقات، به طور خاص‌تر، برای پیامبران - برای موسی، برای یوشع و برای الیاس استفاده می‌شود. اما همانطور که در اشعیا استفاده شده است، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. این موضوع با ریبایی موضوع روشن می‌شود. از اینجا در فصل ۴۱ شروع می‌شود؛ سپس اهمیت آن افزایش می‌یابد و در فصل ۵۳ به اوج خود می‌رسد. همانطور که خواهیم دید، در ابتدا کاملاً مشخص نیست که منظور از عبارت «بنده» چیست. اگرچه این آیه ۸ کاملاً صریح به نظر می‌رسد، اما با ادامه دادن، پیچیده‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد در اینجا - «اسرائیل، تو بنده من هستی» «بنده کیست؟ - در اینجا واضح به نظر می‌رسد که اسرائیل بنده است. آنچه در این متن می‌یابیم این است که خداوند دلیل محافظت از اسرائیل را بیان می‌کند. او می‌گوید که اسرائیل را به عنوان کسی که بنده اوست «انتخاب کرده است»، «تو اسرائیل بنده من هستی».

آیه ۱۰ «: نترس، زیرا من با تو هستم. من تو را تقویت خواهم کرد. من تو را یاری خواهم داد. من تو را زیرا من یهوه، خدای تو هستم که دست راست تو را می‌گیرم و به تو «. حمایت خواهم کرد» «اگر به آیه ۱۳ بروید می‌گوییم: «مترس. من تو را یاری خواهم کرد. ای کرم یعقوب، ای اسرائیل کوچک، مترس، زیرا من خودم تو را یاری خواهم کرد» «این را خداوند، ولی تو، قدوس اسرائیل، می‌گوید». ببین، من تو را به یک خرمن کوب، نو و «تیز، با دندان‌های بسیار، تبدیل خواهم کرد»

اگر متن را تا انتها بخوانید، بنده توسط خدا فراخوانده شده و طرد نخواهد شد. دشمنان بنده شرمند خواهند ای کرم یعقوب، ای اسرائیل کوچک، «: شد، اما قدرت بنده در خداوند است، نه در خودش. ببینید، آیه ۱۴ می‌گوید مترس، زیرا من خودم تو را یاری خواهم کرد، «خداوند، نجات‌دهنده تو، قدوس اسرائیل، می‌گوید». ببین، من تو بنابراین، در فصل ۴۱، واضح به نظر می‌رسد که منظور از بنده، اسرائیل «. را به خرمنکوب تبدیل خواهم کرد است. وسعت متن کاملاً مشخص نیست، اینکه این مضمون تا کجا پیش می‌رود؛ احتمالاً تا آیه ۱۹، اما این موضوع مورد بحث است. اما همه چیز در آنجا کاملاً کلی است.

بیاید به بخش دوم برویم، و این یکی از مهمترین آنهاست -- اشعیا ۴۲: ۱-۷ کارهایی که بنده انجام خواهد داد. ۲. این است بنده من که او را حمایت می‌کنم، برگزیده من که از او خشنودم. روح خود را بر او «: اشعیا ۴۲: ۱-۷. خواهم نهاد و او عدالت را برای ملت‌ها خواهد آورد. او فریاد نخواهد زد و فریاد نخواهد زد و صدای خود را در کوچه‌ها بلند نخواهد کرد. نی شکسته را نخواهد شکست و فتیله نیم‌سوخته را خاموش نخواهد کرد. او با ایمان، عدالت را به ارمغان خواهد آورد. او تا زمانی که عدالت را بر زمین برقرار نکند، متزلزل یا ناامید نخواهد شد. جزایر به شریعت او امید خواهند بست «این چیزی است که خداوند، خداوند، خالق آسمان می‌گوید.

آنکه زمین و هر آنچه در اینجا شما یک میان‌برده از آیه با آن مضمون قدرت خلاق دریافت می‌کنید». ای از آن بیرون می‌آید را گسترانیدی، که به اهل آن نفس می‌بخشی و به آنان که بر آن راه می‌روند حیات می‌بخشی: من، خداوند، تو را به پارسایی خوانده‌ام. دست تو را خواهم گرفت. تو را حفظ خواهم کرد و تو را عهدی برای قوم و نوری برای غیریهودیان خواهم ساخت، تا چشمان نابینایان را باز کنی، اسیران را از زندان آزاد کنی، و آنان را «. که در تاریکی نشسته‌اند از سیاهچال‌های بخشی

بنابراین در اشعیا ۴۲: ۱-۷، دوباره در مورد بنده صحبت می‌کنید: «اینک بنده من». «تصویری از کاری که بنده انجام خواهد داد ارائه شده است. بنده قرار است در جهان کاری را برای خدا انجام دهد. در اینجا نمی‌گوید بنده کیست، همانطور که در اشعیا ۴۱: ۸ و ۹ آمده است: «تو ای اسرائیل، بنده من هستی». «در اینجا نمی‌گوید بنده کیست، اما تصویری از کاری که بنده باید انجام دهد ارائه شده است. جالب است؛ اگر به متی ۱۲: ۱۸-۲۱ مراجعه این است بنده‌ی من که او را برگزیده‌ام، کسی «، کنید، این متن در مورد عیسی مسیح صدق می‌کند. متی ۱۲: ۱۸ که او را دوست دارم و از او خشنودم. روح خود را بر او خواهم نهاد و او عدالت را به امت‌ها اعلام خواهد کرد. او نزاع نخواهد کرد و فریاد نخواهد زد. هیچ‌کس صدای او را در کوچه‌ها نخواهد شنید. نی شکسته را نخواهد شکست و فتیله‌ی نیم‌سوخته را خاموش خواهد کرد تا عدالت را به پیروزی برساند. به نام او امت‌ها امید خود را این در زمینه‌ای است که به وضوح در مورد عیسی به کار رفته است. اما در اینجا چیزی است «. خواهند داشت که در یک آیه از فصل ۴۲ آمده است: «اینک بنده‌ی من که او را حمایت می‌کنم؛ برگزیده‌ی من -- بنده برگزیده‌ی خداست که در روح او خشنود است و روح خدا بر اوست و او عدالت را برای امت‌ها - برای غیریهودیان - به ارمغان خواهد آورد.

در آیات ۲ تا ۴، شما وقار و نرمی رفتار او را می‌بینید. او فریاد نمی‌زند یا صدایش را در کوچه و خیابان بلند نمی‌کند و صدایش را نمی‌شنود؛ نی شکسته را نخواهد شکست. او برای انجام وظیفه‌اش تلاش خشونت‌آمیز نمی‌کند. اما کارش باید جهانی باشد. به فصل ۴۲، آیه ۴ توجه کنید: «او ناامید و دلسرد نخواهد شد تا عدالت را در زمین برقرار کند و سواحل منتظر شریعت او باشند» «ساحل‌ها» «اشاره به سرزمین‌های دور دست دارد.

آیه ۵ به نوعی این توصیف از کار بنده را قطع می‌کند تا به این سؤال پاسخ دهد: «چگونه چنین چیزی ممکن است؟» و «چگونه چنین چیزی ممکن است؟» «خب، این ممکن است زیرا خدا چنین می‌گوید، و خدا خالق آسمان‌هاست». چنین می‌گوید خدا، پهوه، آن که آسمان‌ها را آفرید و آنها را گسترانید [یا گسترش داد]

اکنون، در این مرحله سوالاتی شروع به مطرح شدن می‌کنند. می‌بینید، در سوالاتی که مطرح می‌شود اشعیا ۴۱: ۸ و ۹ آمده است: «ای اسرائیل، تو بنده من هستی». اما سوالی که مطرح می‌شود این است که اسرائیل چگونه می‌تواند آنچه را که در اینجا توصیف شده است، انجام دهد؟ چگونه قومی که در بندگی، بدبختی و تبعید من، «است می‌تواند آنچه را که در اینجا گفته شده است، یعنی بنده خداوند، انجام دهد؟ ببینید، آیات ۶ و ۷ می‌گوید خداوند، تو را به عدالت خوانده‌ام؛ دست تو را خواهم گرفت. تو را حفظ خواهم کرد و تو را عهدی برای قوم و نوری برای امت‌ها خواهم ساخت، تا چشمان کوران را باز کنی، اسیران را از زندان آزاد سازی، و کسانی را که «در تاریکی نشسته‌اند از سیامچال رهایی بخشی

اشعیا ۴۲: ۱۹-۲۴ چگونه اسرائیل می‌تواند چنین کاری را انجام دهد در حالی که خود اسرائیل زندانی است؟ چگونه اسرائیل می‌تواند چنین کاری را انجام دهد در حالی که خود اسرائیل زندانی است؟ این سؤال فقط سوالی نیست که ممکن است هنگام خواندن آن به ذهن شما یا به ذهن کسی که آن را شنیده است خطور کند؛ بلکه کیست جز بنده من که کور است و «: سوالی است که بعداً در این فصل نیز بیان شده است. بیایید به آیه ۱۹ برویم کیست جز کور چون رسولی که من می‌فرستم؟ کیست جز کوری چون کسی که به من سپرده شده است؟ کیست جز بنده خداوند که کور باشد؟ کور چون بنده خداوند؟ چیزهای بسیار دیده‌اید، اما توجه نکرده‌اید. گوش‌هایتان باز است، اما چیزی نمی‌شنوید. خداوند را به خاطر عدالتش پسند آمد که شریعت خود را بزرگ و باشکوه سازد. اما این قوم غارت شده و غارت شده، همگی در گودال‌ها گرفتار یا در زندان‌ها پنهان شده‌اند. آنها غارت شده‌اند، و کسی نیست بنابراین در آیه ۱۹ دقیقاً «'که آنها را نجات دهد. آنها غارت شده‌اند، و کسی نیست که بگوید: آنها را برگردانید همین سؤال مطرح می‌شود: اسرائیل چگونه می‌تواند این کار را انجام دهد در حالی که خودش کور و کر است؟

اما آیه ۲۱ می‌گوید، کار بنده انجام خواهد شد: «خداوند به خاطر عدالت خود خشنود است. او شریعت را بزرگ خواهد داشت و آن را محترم خواهد شمرد». سپس در آیه ۲۲، دوباره با این مشکل مواجه می‌شوید: چگونه اسرائیل می‌تواند خواسته‌های کار بنده را برآورده کند در حالی که اسرائیل قومی غارت شده و غارت شده، گرفتار در سوراخ‌ها و پنهان در زندان‌ها است؟ این مشکل به نظر بی‌پاسخ می‌رسد.

اما در آیه ۲۴ یک نکته اضافی وجود دارد که می‌گوید: «چه کسی یعقوب را به غنیمت گرفت و اسرائیل را به راهزنان؟ آیا خداوند، که ما به او گناه کرده‌ایم، نه؟» (آیه ۲۴ به این نکته اشاره می‌کند که چرا اسرائیل در

شرایطی است که در آن قرار دارد. چرا اسرائیل غارت و غارت شده است؟ چرا اسرائیل در زندان است؟ چرا اسرائیل کور است؟ به این دلیل است که آنها گناه کردند. و به دلیل گناه آنها، خدا قوم خود را به تبعید و رنج سپرد کدام یک از شما در آینده به این گوش فرا خواهید داد یا توجه خواهید کرد؟ چه کسی یعقوب را به تاراج و « اسرائیل را به غارتگران تسلیم کرد؟ آیا خداوند، که ما به او گناه کرده‌ایم، نبود؟ زیرا آنها از راه‌های او پیروی نکردند. آنها از شریعت او اطاعت نکردند. پس او خشم سوزان خود، خشونت جنگ را بر آنها ریخت

بنابراین، همانطور که در فصل ۴۲ می‌بینید، بنده به عنوان کسی معرفی شده است که قرار است نور و نجات را به اقصی نقاط زمین، به غیریهودیان، به ملت‌ها بیاورد؛ تا از اسارت، زندان و بندگی رهایی بخشد. اشعیا گفته است که اسرائیل بنده خداست. اما سوال این است که اسرائیل چگونه می‌تواند این کار را انجام دهد در ۴۱ حالی که خودش به دلیل گناهش در بندگی و تاریکی است؟ بنابراین باید این موضوع را بیشتر بررسی کنیم. تا اینجا می‌بینید، سوالات زیادی دارید. اسرائیل خادم است، اسرائیل وظیفه‌ای برای انجام دادن دارد، اما به نظر نمی‌رسد که اسرائیل قادر به انجام این وظیفه باشد زیرا خودش گناهکار و در بندگی است. برای این کار به نوعی راه حل نیاز دارید، همانطور که جلوتر می‌رویم.

وقت من تمام شده است. موضوع را بیشتر بررسی خواهیم کرد.

رونویسی توسط دانا انگل
ویرایش اولیه توسط کارلی گیمن
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس